

ماهیت
علوم انسانی
از نگاه دینداری

مهاز مانیان

ماهیت علوم انسانی

از نگاه دیلتای

سرشناسه: زمانیان، مهسا، ۱۳۶۶-

عنوان و نام پدیدآور: ماهیت علوم انسانی از نگاه دیلتای / مهسا زمانیان.

مشخصات نشر: قم: فرشتگان فردا، ۱۳۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک 1-68-7642-978

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۶۷ - ۱۶۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: دیلتای، ویلهلم، ۱۸۳۳ - ۱۹۱۱ م. - دیدگاه درباره علوم انسانی

موضوع: Dilthey, Wilhelm -- Views on humanities

Humanities

موضوع: علوم انسانی

علوم انسانی - فلسفه

Humanities -- Philosophy

فلسفه الهی - قرن ۱۹ م. - تاریخ و نقد

19th century -- History and criticismPhilosophy, German

رده‌بندی کنگره: B۳۱۶

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۰-۸۵۶

نویسنده: مهسا زمانیان

ناشر: فرشتگان فردا

چاپخانه: مؤسسه بوستان کتاب

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

شابک: ۱-۶۸-۷۶۴۲-۶۲۲-۹۷۸

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: استان قم، خیابان شهدا (صفائیه)، خیابان بیگدلی، کوچه

بیستم، پلاک ۲

دفتر نمایندگی: شهرستان دماوند، جیلارد، میدان پاچار، روبروی

مسجد جامع جیلارد، ساختمان شهدا، کدپستی: ۳۹۷۱۷۵۶۱۵۱

تلفن مرکز پخش: ۰۲۱۷۶۳۳۲۷۳۰ - ۰۹۱۲۹۳۴۱۲۴

فهرست مطالب:

مقدمه ۷

فصل اول: سیر تکوین علوم انسانی در غرب پس از رنسانس از منظر

دیلتای ۱۵

۱. استقلال علوم از مابعدالطبیعی ۱۷

۲. نهادینه شدن استقلال علوم انسانی از علوم طبیعی ۲۷

۳. وجوه تمایز علوم انسانی از علوم طبیعی ۳۲

فصل دوم: بنیاد معرفتی و ساختار علوم انسانی ۵۵

۱. زندگی، مبدأ علوم انسانی ۵۷

تصدیقات سه گانه علوم انسانی ۵۹

مقولات زندگی ۶۴

۲. رویکرد انتقادی دیلتای به معرفت تاریخی ۶۹

نقد عقل تاریخی و یافتن بنیاد معرفتی برای علوم انسانی ۶۹

روان شناسی، به مثابه بنیاد معرفتی ۷۴

روان‌شناسی توصیفی - تحلیلی ۷۸

وابستگی انواع علوم انسانی به روان‌شناسی ۸۸

فصل سوم: روش‌شناسی علوم انسانی ۹۹

۱. رویکرد هرمنوتیکی جایگزین درون‌نگری روانشناختی ۱۰۱

۲. فهم، هدف علوم انسانی ۱۰۶

۳. هرمنوتیک، روش علوم انسانی ۱۱۷

فصل چهارم: ماهیت تاریخی علوم انسانی ۱۲۷

۱. تاریخ و ارتباط آن با هرمنوتیک ۱۲۹

۲. نقش تاریخ در بیان‌کناری علوم انسانی ۱۳۲

۳. آیا شناخت مفهومی عینی در علوم انسانی امکان‌پذیر است؟ ۱۴۵

نتیجه‌گیری ۱۶۴

فهرست منابع ۱۶۷

مقدمه

ویلهلم دیلتای^۱ از نظریه‌پردازان بزرگ مکتب تاریخی قرن نوزدهم آلمان است و نخستین کسی است که اقدام به تأسیس معرفت‌شناسی مستقلی در علوم انسانی کرد. وی در سراسر زندگی‌اش کوشید تا بنیانی برای علوم انسانی بیابد و در همین مسیر بود که پای روش هرمنوتیک و مباحث تاریخی را به قلمرو علوم انسانی گشود.

دیلتای بر این باور است که وظیفه‌ی بنیادی هر تفکری در بنیادگذاری علوم انسانی، «نقد عقل تاریخی» است. تا پیش از دیلتای باور درباره‌ی علوم تاریخی مساوی با عدم امکان معرفتی به نام تاریخ بود. دیلتای در برابر نسبییت‌گرایی برآمده از تاریخ‌گروی، در مقام دفاع برآمد تا تعریف تازه‌ای از تاریخ ارائه دهد و با طرح نقد عقل تاریخی بر اهمیت‌یافتن بحث تاریخ‌مندی در علوم انسانی تأکید می‌کند. علوم

1. Wilhelm Dilthey (1832-1911)

انسانی اساساً ماهیتی تاریخی دارد، هم در سطح فردی به واسطه‌ی آگاهی زمانمند انسان و هم در سطح اجتماعی با توجه به واقعیت‌هایی چون فرهنگ، زبان و دین که ماهیت آنها نسبت با تاریخ شکل می‌گیرد. به این ترتیب، تاریخ، دیگر برای ديلتای یک روایت مرده از گذشته نیست بلکه ناظر بر ساختار زنده و پویای حیات فرهنگی و انسانی است. ديلتای با توجه به همین معنای تاریخ در پی آن است تا برای علوم انسانی مبنایی معرفت‌شناختی بیابد و نقد عقل تاریخی مهمترین ابزار ديلتای برای رسیدن به این هدف است. ديلتای در ضمن اینکه طرح کلیت را در بنیان‌گذاری علوم انسانی ستایش می‌کند اما کار وی را ناتمام می‌داند. فلسفه‌ی ديلتای نوعی فلسفه‌ی زیستی است و مهمترین داده‌ای که سنگ بنای فلسفه‌ی وی را شکل می‌دهد تجربه‌ی زیسته است. وی مقولات استعلایی کلیت را برای علوم انسانی نمی‌پذیرد چراکه هدف نظام فلسفی ديلتای، درک زندگی است و درک زندگی از طریق خودِ زندگی امکان‌پذیر است نه با فرا رفتن از زندگی و به واسطه‌ی مقولات استعلایی و فرا تجربی. بنابراین ديلتای مقولاتی از قبیل معنا، ارزش و غایت را مقولاتی خاص علوم انسانی معرفی می‌کند و معتقد است شناختی که از طریق این مقولات از زندگی کسب می‌کنیم شناختی از جنس فهم است نه تبیین. پس پرسش اساسی ديلتای را می‌توان این‌طور مطرح کرد که امکان شناختی از جنس فهم و به ویژه انحصار آن به علوم انسانی بر چه بنیان معرفت‌شناختی استوار

است؟

دیلتهای برای پاسخ به این پرسش در یک بحث مقدماتی فرایند شکل‌گیری و به استقلال‌رسیدن علوم انسانی را توصیف می‌کند و در همین مسیر ابتدا استقلال علوم انسانی از مابعدالطبیعه و سپس از علوم طبیعی و هجمه پوزیتیویست را نشان می‌دهد و به بیان ویژگی‌های خاص این قلمرو از علم، با توجه به تفاوت‌های اساسی‌اش با علوم طبیعی می‌پردازد.

به زعم دیلتای، علوم انسانی برای اینکه به استقلال برسد و بتواند همچون علوم طبیعی به عنوان یک حوزه معرفتی مستقل قد علم کند، مسیر پرفراز و نشیبی را پیموده است، مسیری که در آن ابتدا راه خود را از مابعدالطبیعه و سپس از پوزیتیویست‌ها جدا کرد.

دیلتهای برای نشان دادن ماهیت خاص علوم انسانی به بیان تفاوت‌های اساسی میان علوم انسانی و علوم طبیعی می‌پردازد. به طور کلی ماهیت متفاوت این دو قلمرو از علم، دو روش مجزا و متفاوت اقتضا می‌کند. در علوم طبیعی، سر و کار ما با پدیده‌های قابل مشاهده و اندازه‌گیری است که با کمک قوانین علت و معلولی در پی تبیین آنها هستیم اما در علوم انسانی که در سه موضوع عمده‌ی انسان، جامعه و تاریخ خلاصه می‌شود، روش مورد نظر دیلتای، روش توصیف است؛ روشی که نتیجه‌ی آن همان دریافت مستقیم و بی‌واسطه‌ای است